

در ۶۷۰ ق موفق به رؤیت دست خط امام (ع) در میان خطوط و پشت صفحه دست خط مأمون شده، و متن کامل این سند را نقل کرده است (۱۲۴/۳-۱۳۰). به نوشته تفتازانی (د ۷۹۲ یا ۷۹۳ ق)، سند ولایتعهدی که متضمن این مطلب است، تا سده ۸ ق در مشهد موجود بوده است (۲۸۷/۲-۲۸۸). ابن طقطقی (د ۷۰۹ ق) (ص ۲۱۵) و فضل‌الله بن روزبهان (د ۹۲۷ ق) (ص ۲۳۴-۲۳۵) نیز این نوشته امام (ع) را نقل کرده‌اند و میرداماد (د ۱۰۴۱ ق) آن را مستفیض دانسته است (ص ۲۹).

به نقل رجب برسی (د ح ۸۱۳ ق)، امام رضا (ع) به جز سند ولایتعهدی، باز هم از جامعه مطلبی را نقل کرده‌اند؛ هنگامی که ابونواس ابیاتی در مدح امام (ع) می‌سراید، آن حضرت رقعته‌ای به او می‌دهد که همان شعر در آن مکتوب بوده است. امام (ع) در برابر بهت و حیرت شاعر می‌فرمایند: در جامعه آمده بود که تو روزی مرا به این شعر مدح خواهی کرد (ص ۱۴۷-۱۴۸). وجود چنین مواردی در زندگانی امام رضا (ع) سبب شده است که محقق کرکی (د ۹۴۰ ق) از آن حضرت به «کاشف رموز جفر و جامعه» تعبیر کند (ص ۳۰۶ قمی، ۱۶۱۳-۱۶۲۰).

افزون بر اینها در باب محتوای کتاب، ابوبصیر از امام ششم (ع) نقل کرده که جامعه صحیفه‌ای زرد رنگ است که اسامی همه شیعیانی که تا قیامت متولد می‌شوند، در آن ثبت شده است (دلالت... ۲۶۳؛ برای تحریری غالیانه از این خبر، نک: خصیبه، ۲۵۲-۲۵۳). شیخ بهایی (۹۵۳-۱۰۳۰ ق) بر آن است که جامعه حاوی «علم ما کان و ما یکون» است (نک: خویی، ۱۳۹/۱۶؛ خازم، ۲۲). در تأیید نظر او می‌توان به متن صلواتی اشاره کرد که فضل‌الله بن روزبهان آورده، و در آن امام رضا (ع) مستخرج علم مایکون و ماکان از جفر و جامعه معرفی شده است (ص ۲۳۱). نام کتاب نیز خود شهادی بر محتوای آن است.

خبر دادن جفر و جامعه از مغیبان و ملاحم سبب شد تا بعدها حاجی خلیفه (د ۱۰۶۷ ق) از اصطلاح «علم جفر و جامعه» سخن به میان آورد و موضوع آن را علم اجمالی به آنچه در گذشته رخ داده است، یا در آینده به وقوع خواهد پیوست، ذکر کند. او جفر را همان لوح قضا (عقل کلی) و جامعه را همان لوح قدر (نفس کلی) دانسته، و کتابهایی را در باب این علم معرفی کرده است، مانند الدرّة الناصعة فی کشف علوم الجفر و الجامعة از زین‌الدین عبدالرحمان بن علی بسطامی انطاکی حنفی (د ۸۵۸ ق) (ص ۵۹۱/۱)، ۷۴۴؛ بغدادی، ۵۳۱/۱).

برخی از علمای اهل سنت انتساب جامعه به امام علی (ع) و احتوای آن را بر علوم و معارف خاص تأیید کرده‌اند، مانند غزالی (د ۵۰۵ ق؛ ص ۴۶۷) و شریف جرجانی (د ۸۱۶ ق؛ ۲۲/۶). از این میان جرجانی جامعه را کتابی از علی (ع) دانسته که در آن حوادث آینده به طریقه علم حروف آمده است. او از

الْجَامِعُ لِْمُفْرَدَاتِ الْأَدْوِيَةِ وَالْأَعْذِيَةِ، نک: ابن بیطار.

جامعه، کتابی نام‌بردار در روایات شیعه، به املائی رسول‌الله (ص) و خط امیرالمؤمنین علی (ع). غالباً از جامعه در کنار متنی مشابه با عنوان جفر که آن نیز نگاشته امام علی (ع) دانسته می‌شود، یاد شده است (تهانوی، ۵۶۸/۱). روایاتی از امام صادق و امام رضا (ع) جامعه را صحیفه‌ای از پوست به طول ۷۰ ذراع، متن آن را املائی پیامبر (ص) به خط امام علی (ع) و محتوای آن را همگی حلال و حرام و تمامی اموری که مردم تا روز قیامت بدان نیاز دارند، حتی دیه خراشها معرفی کرده‌اند و گفته‌اند که این کتاب تنها در اختیار امامان شیعه (ع) است (صفر، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۷۷، جم؛ کلینی، ۵۷/۱، ۲۳۸-۲۴۰؛ ابن بابویه، سنن لایحضر... ۴۱۸/۴-۴۱۹؛ مفید، ۱۸۶/۲). روایتی از امام کاظم (ع) نیز به صراحت بیان می‌کند که در میان فرزندان آن حضرت تنها امام رضا (ع) می‌توانسته از کتاب جامعه استفاده کند، زیرا این کتاب تنها مختص به پیامبر (ص) و اوصیای او است (ابن بابویه، عیون... ۴۰/۲).

براساس روایات، این کتاب در کنار الواح و عصای موسی (ع)، خاتم سلیمان، ذوالفقار امام علی (ع) و دیگر میراث پیامبران (ع) به اوصیای پیامبر خاتم (ص) رسیده است و از ودایع امامت و یکی از منابع علم امام به شمار می‌رود (فیض، السحجة... ۱۸۵/۴-۱۸۶؛ مظفر، ۵۴). گفتنی است که گاهی ائمه (ع) برای اثبات وجود چنین متنی آن را به برخی اصحابشان نشان می‌دادند؛ از آن جمله بنا بر نقل صفر، امام باقر (ع) جامعه یا بخشهایی از آن را به ابوبصیر نشان داده است (ص ۱۶۴).

مؤید فقهی بودن مطالب این کتاب روایتی است که امام باقر (ع) حکمی در باب ارث را از جامعه نقل کرده است. امام صادق (ع) نیز در رد برخی آراء فقهی ابن شبرمه، فقیه اهل رأی کوفه به جامعه احتجاج کرده است (همو، ۱۶۵-۱۷۰). از آنجا که در زمان غیبت، به‌جز امام غایب (ع) دیگران به کتابهایی چون جامعه دسترسی ندارند، وحید بهبهانی (د ۱۲۰۵ ق) متذکر شده که مراد از سنت به عنوان یکی از منابع دسترسی به احکام شرع منحصر در سنت معروف و مشهور است، و نه مواردی چون جامعه و مانند آن (ص ۲۱۱).

باید توجه داشت مراد از تمام امور مورد نیاز مردم تا روز قیامت که در روایات بدان اشاره شده، تنها حلال و حرام نیست؛ بلکه این کتاب از حوادث آینده نیز خبر می‌دهد. گواه این نظر نوشته امام رضا (ع) در سند ولایتعهدی (مکتوب در یکشنبه ۷ رمضان ۲۰۱ ق/۲۹ مارس ۸۱۷ م) است؛ امام (ع) با استناد به جفر و جامعه پیش‌بینی کرده‌اند که هرگز وارث خلافت مأمون عباسی نخواهند شد (ابن شهر آشوب، ۴۷۳/۳-۴۷۴). اربلی (د ۶۹۳ ق)

نوشته منظومی در شام سخن می‌گوید که به رمز و اشاره در باب احوال ملوک مصر بوده، و برخی بر این گمان بوده‌اند که بخشهایی از آن از جامعه استخراج شده است (همانجا)؛ باید یاد آور شد که اعتقاد آن شامیان در باب این شعر با روایات شیعی مبنی بر عدم دسترسی غیرمعصومان به جامعه همخوانی ندارد.

شایان دقت است که عده‌ای جامعه و متنی مشابه و مشهورتر با عنوان کتاب علی (ع) را کتابی واحد و با اسامی مختلف می‌دانند (عسکری، ۳۳۵/۲-۳۴۸؛ جندی، ۱۹۹-۲۰۰)؛ در تفسیر منسوب به محیی‌الدین ابن عربی (د ۶۳۸ ق) (۳۲-۳۱/۱) نیز نک: قمی، ۱۶۴۳-۱۶۶، صدرالدین شیرازی (د ۱۰۵۰ ق) (۳۵/۳) و به تبع وی فیض کاشانی (د ۱۰۹۱ ق) (انوار... ۱۸۹، ۱۹۳) نیز جفر و جامعه را کتابی واحد دانسته‌اند؛ اما آقا بزرگ از کتاب علی (ع) با عنوان امالی رسول‌الله (ص) یاد کرده است و آن را کتابی غیر از دو کتاب جامعه و جفر می‌داند (۳۰۶/۲-۳۰۷). افزون بر وی، مدرسی طباطبایی نشان داده است که جامعه، جفر و کتاب علی (ع) متونی متمایز، اما دارای شباهتهایی به یکدیگر هستند (ص ۴-۷). گفتنی است که برخی، جامعه را با اثر دیگری از امام علی (ع) با عنوان کتاب الادیات خلط کرده‌اند (خازم، ۸۲). غفاری (ص ۲۲۷) و عمیدی (ص ۲۲۱) کتابت جامعه را نخستین گام در تدوین حدیث می‌دانند.

مآخذ: آقابزرگ، الذریعة؛ ابن بابویه، محمد، عین اخبار الرضاع، به کوشش حسین اعلمی، بیروت، ۱۹۸۴م؛ همو، من لا یحضره الفقیه، قم، ۱۴۰۴ق؛ ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، نجف، ۱۳۷۶ق؛ ابن طقطقی، محمد، الفخری، به کوشش عبدالقادر محمد مایو، بیروت، ۱۴۱۸ق؛ ابن عربی، محیی‌الدین، تفسیر، به کوشش عبدالوارث محمدعلی، بیروت، ۱۴۲۲ق؛ اربلی، علی، کشف الغصة، بیروت، ۱۴۰۵ق؛ برسی، رجب، مشارق انوار الیقین، به کوشش علی عاشور، بیروت، ۱۴۱۹ق؛ بغدادی، هدیه؛ تفتازانی، مسعود، شرح المقاصد، پاکستان، ۱۴۰۱ق؛ تهبانوی، محمد اعلمی، کشف اصطلاحات الفنون، بیروت، ۱۹۹۶م؛ جرجانی، علی، شرح المواعظ، به کوشش محمد بدرالدین نعلانی، قاهره، ۱۳۲۵ق؛ جندی، عبدالطیم، الامام جعفر الصادق (ع)، قاهره، ۱۳۹۷ق؛ حاجی خلیفه، کشف؛ خازم، علی، مدخل الی علم الفقه عند المسلمین الشیعة، بیروت، ۱۴۱۳ق؛ خصیمی، حسین، الهدایة الکبری، بیروت، ۱۴۱۱ق؛ خوبی، حبیب‌الله، منهاج البراعة، به کوشش ابراهیم میانجی، تهران، ۱۳۵۸ش؛ دلائل الامامة، منسوب به ابن رستم ظیری، قم، ۱۴۱۳ق؛ صدرالدین شیرازی، محمد، الاسفار، بیروت، ۱۹۸۱م؛ صفار، محمد، بسانر الدرجات الکبری، به کوشش محسن کوجهباغی، تهران، ۱۴۰۴ق؛ عسکری، مرتضی، معالم المدرستین، بیروت، ۱۴۱۰ق؛ عمیدی، ثامر، «تاریخ الحدیث و علومه»، تراثا، قم، ۱۴۱۷ق، شه ۴۷، غزالی، محمد، «سر العالین و کشف ما فی الدارین»، مجموعه رسائل، بیروت، ۱۴۱۶ق؛ غفاری، علی اکبر، دراسات فی علم الدرایة، تهران، ۱۳۶۹ش؛ فضل‌الله بن روزبهان، وسیلة الخادم، به کوشش رسول جعفریان، قم، ۱۳۷۵ش؛ فیض کاشانی، محمدحسین، انوار الحکمة، قم، ۱۴۲۵ق؛ همو، المحجة البیضاء، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۱۷ق؛ تمی، عباس، الکنز و الاتقاب، تهران، مکتبة الصدر؛ کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۶۵ش؛ محقق کرکی، علی، «الرسالة الذهبیة»، همراه ج ۵۹ بحار الانوار مجلسی، به کوشش محمدباقر بهبودی، بیروت، ۱۴۰۳ق؛ مظفر، محمدحسین، علم الامام، بیروت، ۱۴۰۲ق؛ مفید،

محمد، الارشاد، بیروت، ۱۴۱۴ق؛ میرداماد، محمدباقر، نبراس الشیاء، به کوشش حامد ناجی اصفهانی، قم/تهران، ۱۳۷۴ش؛ وحید بیهیانی، محمدباقر، «رسالة فی صحة الجمع بین الفاطمیین»، الرسائل الفقهیة، قم، ۱۴۱۹ق؛ نیز: Modarressi, H., Tradition and Survival: A Bibliographical Survey of Early Shi'ite Literature, Oxford, 2003. سعید ظاروسی مرور

جامعه، زیارت، گونه‌ای از آثار دعایی شیعه در تقابل با زیارات مختصه، دربر دارنده زیارت‌نامه‌هایی که می‌توان آنها را برای زیارت هر یک از ۱۲ امام (ع)، یا همه ایشان یا هم، در هر زمان و مکانی خواند. شاخص‌ترین فرد این نوع، «زیارت جامعه کبیره» است.

مجلسی با کاوش در متونی که به عصر حاضر نیز رسیده، ۱۴ زیارت‌نامه را با عنوان «زیارات جامعه» گرد کرده است (۱۲۶/۹۹ بی). این شمار، حاصل نگرش موسع او در گردآوری متونی است که متقدمان آنها را، بدین وصف نخوانده‌اند. با این حال، از آنجا که این عنوان همانند بسیاری از اصطلاحات متداول دیگر به نحوی دقیق تعریف نشده است، می‌توان با توسع، مصادیقش را بسی بیشتر از نمونه‌های شناخته دانست؛ یا به عکس در شمول آن به تضییق گرایید.

همه این زیارتها به ائمه (ع) منسوب نگشته‌اند (برای نمونه، نک: همو، ۱۹۸/۹۹)؛ اما مشهورترینشان، به روایت از ایشان است (برای تحلیل سندی اجمالی از اهم این متون، نک: همو، ۲۰۹/۹۹). برخی نخست برای خواندن در حریم امامی خاص توصیه شده‌اند و سپس، آموزنده یا راوی، خواندنش را برای زیارت دیگر اهل بیت (ع) هم تجویز کرده است (برای نمونه، نک: ابن بابویه، عیون... ۳۰۵/۱؛ طوسی، مصباح... ۷۳۹؛ مجلسی، ۱۰۶/۹۹). افزون بر «زیارت جامعه کبیره»، به عنوان چند نمونه نامدار دیگر، می‌توان «زیارت امین‌الله» (ابن قولویه، ۹۲)، «زیارت جامعه غیرمشهوره» (مشهدی، ۵۵۵ بی؛ برای نام آن، نک: آقابزرگ، ۷۹/۱۲)، و «زیارت مصافقه» (مجلسی، ۱۹۷/۹۹ بی) را یاد کرد.

مشکل بتوان سبب توصیف عموم این زیارات به وصف «جامعیت» را دانست. از یک سو، حجم، مضمون و سبکشان متنوع است و از یک سلام مختصر به امام با بیانی ساده و صمیمی (برای نمونه، نک: مفید، المقنعة، ۴۹۰)، تا متون چند صفحه‌ای و آراسته به انواع صنایع ادبی و سرشار از مضامین اعتقادی، دعا و توسل‌جویی، بیعت یا امام و لعن دشمنان وی را در بر می‌گیرد؛ آیینهای همراه آنها نیز چنین است، آن سان که گاه در برخی از ابواب تنها با یک زیارت‌نامه صرف مواجهیم (مثلاً نک: ابن براج، ۲۹۰/۱-۲۹۱)، و گاه نیز اعمال متعددی برای طول دوره سفر زیارتی - از جمله اذکار هنگام خروج فرد از خانه و آغاز به سفر تا رسیدن به مشهد امام، غسل و وضو و